

بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی شهرستان ورزقان (مورد مطالعه روستای دیزج‌ملک)

کمال کوهی*

چکیده

این مقاله حاصل تحقیقی است که تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی در شهرستان ورزقان» انجام شده است. هدف پژوهش بررسی عواملی بود که در مشارکت اقتصادی روستاییان در طرح‌ها تأثیر می‌گذشتند. نوع و روش تحقیق اسنادی و پیمایشی، ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه، شیوه نمونه‌گیری؛ طبقه‌ای متناسب توأم با نمونه‌گیری تصادفی ساده و حجم نمونه ۵۰ نفر از رؤسای خانوارهای دیزج‌ملک بوده است. بعد از آزمون فرضیه‌های تحقیق نتایج زیر حاصل شد. عواملی مانند عوامل گروهی، اجتماعی، فرهنگی، نگرشی، سطح تحصیلات، سن، وضعی، تأهل، نوع شغل و نوع محصول زیرکشت در مشارکت اقتصادی روستاییان در طرح‌ها؛ توسعه روستایی مؤثر هستند. سایر عوامل از قبیل عوامل آموزشی و انگیزشی در این تحقیق تأیید نشدند.

واژگان کلیدی: مشارکت، توسعه روستایی، مشارکت اقتصادی، روستا و رؤسای خانوار.

مقدمه

امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها- بویژه کشورهای در حال توسعه - بر هیچ کسی پوشیده نیست و باور کارشناسان و دست‌اندرکاران امر، تحقق این مهم را بیش از هر چیز، در گرو توسعه منابع انسانی می‌دانند. به عبارت دیگر ایجاد تحول در جامعه روستایی، به عنوان تبلور عینی رفتارهای مطلوب انسانی مطرح می‌باشد.

نگرش سیستمی به توسعه روستایی، مشارکت تمامی اقشار روستایی اعم از زن و مرد، جوان و بزرگسال را پیش نیاز دستیابی به اهداف توسعه می‌داند. در این میان مشارکت در برنامه‌های آموزشی و ترویجی و عمرانی، به عنوان یکی از عوامل انکارناپذیر فرایند توسعه روستایی، ضرورت مهمی است که خود به عنوان پیش‌نیاز بهره‌مندی از مزایای آموزش‌های ترویجی، در جهت دستیابی به اهداف توسعه، مطرح است (حسینی‌نیا، ۱۳۷۸: ۲۴). در این میان عوامل متعددی، مشارکت روستاییان در فعالیت‌های عمرانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

امروزه کمتر نگاشته‌ای در ادبیات توسعه را می‌توان یافت که از مشارکت مردمی بحثی به میان نیاورده باشد. در سال‌های اخیر به ویژه از اوایل دهه ۱۹۷۰، رویکرد مشارکتی، هم به عنوان یک وسیله و هم به عنوان یکی از اهداف توسعه، اتفاق نظر دارند (گای، ۱۳۷۱: ۵۶). با این حال مشارکت یکی از مشکل‌ترین و بحث‌انگیزترین موضوع‌ها در زمینه توسعه است. مشکل بودن آن به این علت است که جزء لاینفکی از توزیع مجدد قدرت اقتصادی - سیاسی در روند توسعه بوده و بنابراین مورد قضاوت‌های ارزشی قرار گرفته است. بحث‌انگیز بودن آن به این دلیل است که محتوای آن عملاً از ایدئولوژی و فلسفه هر کشور تبعیت می‌کند (افخمی، ۱۳۷۲: ۵۸).

به هر حال مشارکت مردمی در هر برنامه‌ای که مربوط به توسعه روستاها است، اهمیت اساسی دارد، چرا که برنامه توسعه‌ای که مردم در آن مشارکت نداشته باشند و از ابزارهای همکاری در آن برخوردار نباشند در نهایت نمی‌تواند کاملاً موفق باشد. در اجرای برنامه‌های ترویجی نیز مشارکت روستاییان امری ضروری است. مردم باید در تمام موارد جنبه‌های برنامه‌ها درگیر باشند و آزادانه نظر بدهند تا مقبولیت و پذیرش برنامه‌ها توسط آنها آگاهانه و مشتاقانه صورت پذیرد (ملک محمدی، ۱۳۷۳: ۳۵۸).

می‌توان گفت که یکی از هدف‌های عمده روستایی مشارکت مردم در کلیه ابعاد زندگی است که هم وسیله و هم هدف محسوب می‌شود. زیرا در سطح محلی با توسعه عجین شده است. بنابراین، در عصر حاضر بدون مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش توسعه، امکان‌پذیر نخواهد بود.

تعریف موضوع پژوهش

تعاریف متعددی از مشارکت توسط صاحب نظران ارائه شده است ولی در مفهوم و معنی واقعی مشارکت توافقی اشکار وجود ندارد زیرا در بیشتر مطالعات مفهوم مشارکت غیر قابل بیان تلقی می‌شد. شاید بهتر باشد مشارکت را به صورت مفهوم چند بعدی با معنای متفاوت و در شرایط مختلف در نظر گرفت (Simpson and Clala. 2001: 1).

کورث دپفر^۱ مشارکت را این گونه تعریف می‌کند: «مشارکت به عنوان نسبت مداخله علمی به مداخله‌های مورد نیاز از جهت پیگیری مؤثر فعالیت‌های خاصی در سطح معینی از نمایندگان برای گروه مربوط لحاظ می‌شود» (دپفر ۱۳۶۵: ۱۵۱).

الغنی نیز گفته است: «مشارکت در مفهوم دقیق خود، به معنای توزیع مجدد قدرت اقتصادی و سیاسی به نفع تهیدستان روستایی که کنار گذاشته شده‌اند» (الغنی، ۱۳۷۲: ۶۴).

مشارکت از دیدگاه سیستمی چنین تعریف می‌شود: «راه‌های سازش و حل مناقشاتی که به توسعه و تعالی نظام اجتماعی منجر می‌شود. توسعه نیافتگی ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادی کردن آن، انقراض نظام اجتماعی و سقوط سیاسی را در پی خواهد داشت. در مجموع مشارکت عملی است که در آن افراد به طور ارادی و آگاهانه و با میل و رضایت خود و بدون هیچ گونه اجباری در برنامه‌ها یا پروژه‌ها شرکت می‌کنند و این همکاری از مرحله اولیه تصمیم‌گیری تا اجراء نظارت و ارزشیابی برنامه و پروژه‌ها تداوم دارد و به طور مستمر جریان پیدا می‌کند (کوهی، ۱۳۷۳: ۶).

مشارکت دادن آحاد جامعه در فرآیندهای توسعه، به معنای قدرت دادن به ضعیف‌ترین و فقیرترین افراد جامعه به منظور تشویق و ترغیب آنها در اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها و قرار دادن این گروه‌ها در متن آن است. طرح‌های مشارکتی زمانی به اهداف خود نزدیک خواهد شد که بین مردم و نهادهای سیاستگزاری برخوردار از امکانات مالی نوعی «جابه‌جایی قدرت» صورت گیرد.

* * *

پژوهش‌ها، بررسی‌ها و نمونه‌های تجربی به تفصیل، مؤید آثار و فواید زیر برای مشارکت هستند:

۱- مشارکت متجر به افزایش توانمندی افراد و از بین رفتن روحیه ناتوانی و درماندگی در آنان می‌شود.

^۱. Kurt Depfer

- ۲- از آنجایی که مشارکت یک تلاش گروهی، جمعی و متقابل است، روحیه مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس، تعاون و شکل‌گرایی، رفتار خلاق ایجاد و تقویت می‌شود.
 - ۳- مشارکت، زمینه افزایش تحمل و مدارای اجتماعی را فراهم می‌کند.
 - ۴- مشارکت، باعث تصمیم‌گیری بهتر شده و آن را بهینه‌سازی می‌کند.
 - ۵- مشارکت، زمینه لازم را برای شناخت، هدایت و شکوفایی استعدادهاى افراد و بهره‌گیری از آن فراهم می‌سازد (کوهی، ۱۳۸۳: ۱۱ و توتونچی، ۱۳۷۸).
- بنابراین با لحاظ کردن اهمیت و آثار مشارکت در توسعه روستایی تحقیق حاضر برای جوابگویی به سوالات زیر صورت گرفته است:
- ۱- چه عواملی بر مشارکت روستاییان در طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به روستا در منطقه ورزقان (روستای دیزج‌ملک) مؤثر است؟
 - ۲- از میان عوامل انگیزشی، گروهی، آموزشی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، نگرشی و فردی کدام یک در مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی بیشتر تأثیر دارند؟

فرضیه‌های پژوهش

به نظر می‌رسد:

- ۱- بین سن و مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان زمین و مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان تحصیلات و مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی همبستگی وجود دارد.
- ۴- بین عوامل انگیزشی و مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی همبستگی وجود دارد.
- ۵- بین عوامل نگرشی و مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی همبستگی وجود دارد.
- ۶- بین عوامل گروهی و مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی همبستگی وجود دارد.
- ۷- بین عوامل آموزشی و مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی همبستگی وجود دارد.
- ۸- بین عوامل اجتماعی-فرهنگی و مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی همبستگی وجود دارد.
- ۹- میزان مشارکت روستاییان بر حسب نوع محصول کشت آنها متفاوت است.

- ۱۰- میزان مشارکت روستاییان بر حسب شغل آنها متفاوت است.
۱۱- میزان مشارکت روستاییان بر حسب وضعیت تأهل آنها متفاوت است.

مبانی نظری

شارل فوریه^۱ از اندیشه گران بنام مکتب تعاونی با طرح نظریه کار دل‌انگیز به همکاری و مشارکت نگریسته است. به عقیده وی انسان دارای شهوات متعددی است که همه خوب و پسندیده و هادی و محرک آدمی در رفتار و کردار وی هستند. نباید از بسط این شهوات جلوگیری کرد، بلکه باید با تلفیق و راهنمایی آنها کار را دل‌انگیز ساخت. به این ترتیب دشواری اجباری در کار را از میان برداشت که از عهده عتیق مانع راه خوشبختی بشر بوده است. کار مطبوع و دل‌انگیز به طور جمعی به هیأت اجتماعی مسیر است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

وی مشارکت را در بطن انسان می‌داند که تجلی آن نیازمند همگرایی افراد جامعه است. بنابراین نظریه کار دل‌انگیز در قالب مکتب رفتارگرایی جای دارد، چرا که رفتار و کردار را عامل بروز تمایل به مشارکت در انسان می‌داند.

جرج هومنز^۲ جهت تبیین مشارکت به چند اصل و قضیه عام و خاص متوسل می‌شود. هومنز با توسل به دو متغیر اساسی قضایای خویش را بیان می‌کند. این دو متغیر عبارتند از: الف- ارزش، ب- کمیت.

به نظر وی، اگر ما مقداری عمل را که به شخص وارد می‌شود کنار بگذاریم، باید بگوییم که فرد آن فعل را بیشتر یا کمتر از عمل دیگری ارزش می‌گذارد. از سوی دیگر اگر مقدار عمل وارد شده را به حساب آوریم، باید اذعان کنیم که آن شخص این فعل را در یک زمان بیشتر از زمان دیگر با ارزش می‌داند. به نظر او باید ارزش و کمیت را در دو طبقه تشکیل دهنده متغیرهای خود محسوب کنیم.

قضایای مورد نظر وی عبارتند از: الف- موفقیت: بیشتر اوقات ممکن است شخص آن عملی را که باید به پاداش منتهی می‌شود، تکرار کند.

ب- ارزش: هر قدر نتیجه عمل یک شخص برای او با ارزش باشد، به همان اندازه علاقه وی نسبت به تداوم آن عمل بیشتر می‌شود. تغییر ارزش ممکن است نتایج مثبت و منفی داشته باشد.

د- محدودیت و اشباع: اگر کسی پاداش معینی را بارها دریافت کرده باشد، می‌گوییم در حال اشباع شدن از آن پاداش است.

1. Sh. Fourieh

2. Homans

آگاهی جنبه دیگری از مشارکت است که در ارتباط با عامل ذهنی می توان مطرح کرد. آگاهی بدین لحاظ که شناخت، مقدمه دخالت است مهم ترین عنصر در عمل فرد محسوب می شود. تا فرد در مورد چیزی آگاهی و اطلاعاتی نداشته باشد. بدان توجهی نمی کند (علفیان، ۱۳۷۸: ۹۱).

کورتین^۱ معتقد است که نظریه های گوناگونی برای توجیه توسعه یافتگی روستایی در مدل های متفاوت وجود دارد. کورتین بین دو مورد از مدل های مسلط تمایز قایل شده است: (۱) مدل توافقی^۲: تأکید مدل توافقی بر این است که همه مردم در یک ناحیه خاص به همدیگر در انجام کارها کمک می کنند و این عمل باعث توسعه کل جامعه می شود. اگر چه از لحاظ درآمد و دسترسی به منابع دیگر برابر نیستند، ولی ممکن است پیش فرض های اساسی مشترکی از لحاظ علایق و قدرت کافی برای ساختن یک اجتماع ریشه ای منسجم را داشته باشند (Curtin, 1996:257).

(۲) مدل تضاد^۳: در این مدل نابرابری های محلی به عنوان علت های اساسی و ساختاری فقر بیان شده است، در حالی که مدل به گونه ای برابر بر همبستگی مردم برای حل مسایل و پیشرفت جمعی اجتماع تأکید دارد. در این مدل به طور مستقیم بر فقر و محرومیت و اختیاری به کسانی که در بیرون از ساختار قدرت قرار دارند، تمرکز بیشتری به عمل می آید (Ibid:259).

اکثر طرح های توسعه روستایی با مدل توافقی سازگاری دارند. براساس این مدل. برای حل مسایل و مشکلات روستایی همه با هم متحد می شوند و برای توسعه روستاهای خود اقدامات لازم را انجام می دهند ولی در مدل دوم انسجام روستاییان به عنوان پیش فرض توسعه روستایی خود اقدامات لازم را انجام می دهند ولی در مدل دوم انسجام روستاییان به عنوان پیش فرض توسعه روستایی محسوب نمی شود و تأکید بر این است که در میان روستاییان بعضی ها به منافع بیشتر دسترسی دارند و بعضی ها کمتر. این امر باعث بروز نابرابری در دسترسی به منابع و حتی رفع نیازهای اولیه می شود که در نهایت موجب بروز فقر و محرومیت عده زیادی از روستاییان می گردد. عده خیلی می توانند ساختار قدرت را به دست گیرند، اینان کسانی هستند که تابع افراد خارج از روستا هستند (Lowe and Rayetal. 1999:20-21). به عبارت بهتر، می توان گفت که در مدل دوم بر فرایند توسعه از بالا به پایین تأکید می شود ولی در مدل اول فرایند توسعه به نحو بارزی از پایین به بالا رخ می دهد.

1. Curtin

2. Consensus model

3. Whole

4. Antagonism model

فاستر^۱ عقیده «خیر محدود»^۲ را مطرح می‌مند و آن را به مثابه مانع توسعه فرهنگی روستاها می‌داند. فاستر براساس مطالعات میدانی خود در یکی از روستاهای مکزیک متوجه شواهدی از عقاید محافظه کارانه و فقدان علاقه به بهره‌برداری از فرصت‌های جدید اقتصادی و اجتماعی در میان دهقانان شد. بر این اساس، یافته‌هایش را تعمیم داد و معتقد شد که بینش دهقانان درباره دنیا، نسبت به سایر قشرها کاملاً متفاوت است. به اعتقاد فاستر یکی از دلایل عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی میان دهقانان را باید ناشی از تصور خیر محدود دانست. دهقان می‌پندارد که همه چیزهای مطلوب زندگی محدود بوده و مقدار موجود را با توجه به قدرت دهقان نمی‌توان افزایش داد. بدین ترتیب با توجه به محدودیت نعمت‌ها بسته روستا، منطقاً پیشی گرفتن هر فرد به قیمت ضرر کردن دیگری تمام می‌شود (از کیا، ۱۳۶۴: ۹۳).

فاستر چهارچوب بحث خود را به این ترتیب گسترش می‌دهد که دهقان مکزیک دنیای خود را طوری می‌بیند که در آن نعمت، محدود و غیر قابل گسترش است. منطق او چنین حکم می‌کند که امنیت خود را از طریق حفظ موقعیت خویش در نظم سنتی جامعه به حداکثر برساند. از لحاظ نظری، دو راه برای آزادی افرادی که به دلیل تصویر «خیر محدود» خود را در وضع تهدید شده می‌بینند، وجود دارد:

اول، این که به همکاری و مشارکت بپردازند و اختلافات شخصی خود را از بین ببرند و علیه هر گونه فردگرایی جرایم قانونی وضع کنند.

دوم، این که راه مخالف یعنی فردگرایی لجام گسیخته را که در آن هر کسی به فکر خویش است، دنبال کنند (منبع پیشین: ۹۳).

به اعتقاد فاستر دهقانان مکزیک نظیر بسیاری از دهقانان دیگر، مجبور به انتخاب راه دوم هستند و با این که در مجموع دلایل روشنی برای این کار وجود ندارد، اما دو عامل مهم را بر می‌شمرد:

۱) مشارکت و همکاری نیازمند رهبری است. رهبری ممکن است به طور دموکراتیک توسط افراد و گروه انتخاب شود و یا مرد نیرومندی از درون گروه به این مقام برسد. در هر حال، دهقانان تفویض اختیارات دموکراتیک را در درون جامعه به عنوان تهدیدی علیه منافع خود می‌دانند- مخصوصاً زمانی که منافع اقتصادی و سیاسی توسط افراد خارج از روستا کنترل شود.

۲) از آنجا که روستاییان اعتقاد دارند نعمات را بیش از آنچه که قبلاً وجود داشته نمی‌توان ایجاد کرد، تعاون به منزله یک فعالیت بدون ثمر پنداشته می‌شود. از این زو، امنیت و ایمنی روستا را به بهترین وجه با حفظ موجود و اجازه ندادن به هیچ نوعی دگرگونی عمده

1. Foster

2. Limited good

در توزیع سنتی و نعمت‌ها می‌توان تأمین کرد و هر رفتاری که احتمال دارد توزیع سنتی نعمت‌ها را آشفته سازد. به منزله تهدیدی برای کل جامعه محسوب می‌شود (منبع پیشین: ۹۴).

راجرز^۱ با توجه به تعدادی از مطالعات خود چنین نتیجه گرفت که در بعضی از فرهنگ‌ها عموماً زمینه برای نوآوری نسبت به فرهنگ‌های دیگر بیشتر است. به نظر او فرآیند قبول یک اندیشه نو که متضمن یادگیری آن اندیشه و هم تصمیم‌گیری درباره آن است، در پنج مرحله عینیت می‌یابد: (۱) آگاهی، (۲) علاقه ارزشیابی، (۳) آزمایش، (۴) قبول آن اندیشه نو. به نظر راجرز کسانی که اندیشه نوی را سریع می‌پذیرند هر یک از این مراحل را نیز با سرعت پشت سر می‌گذارند و به عکس کسانی که دیر می‌پذیرند هر یک از این مراحل را نیز به کندی پشت سر می‌گذارد. به نظر او معمولاً افرادی که خیلی زود تغییر یا رویه جدیدی را می‌پذیرند، از سایرین جوان‌ترند. پایگاه اجتماعی بالاتری دارند و نیز ثروتمندترند. هم چنین به نظر راجرز نوآوران در آغاز خود را کجروانی می‌شناسند که پا را از نظام اجتماعی خویش فراتر نهاده‌اند، هم چنان که دیگران نیز چنین تصویری را در مورد آنها دارند، ولی خود را با گروه‌هایی که رفتار آنها را درست می‌دانند هم هويت می‌دانند. راجرز معتقد است که عناصری چون انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجهه‌ها - در قالب خرده فرهنگ دهقانی - عناصر اصلی و کلیدی برای فهم رفتار به شمار می‌آیند. به نظر راجرز عناصر خرده فرهنگ دهقانی، عناصری هستند که مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع روستایی می‌شوند و به تعبیری مانع تجدد و نوسازی هستند. این عناصر عبارتند از:

- ۱- عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی
- ۲- فقدان نوآوری
- ۳- تقدیرگرایی
- ۴- پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات
- ۵- عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آتی
- ۶- عدم توجه به عنصر و اهمیت زمان
- ۷- خانواده‌گرایی
- ۸- وابستگی به قدرت دولت
- ۹- محلی‌گرایی
- ۱۰- فقدان همدلی (از کیا، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

رهیافت تسهیم هزینه: مبتنی بر مشارکت مادی مردم است. فرضیه زیربنایی ره‌یافت تسهیم سرمایه بدین قرارا است که هر گاه بهره‌گیران یک برنامه آموزشی ملزم به تأمین بخشی از هزینه‌های مربوط به طرح و اجرای آن برنامه باشند، انگیزه‌های لازم و کافی برای مشارکت فعالانه آنان در تعیین و تحلیل مسایل، انتخاب شیوه‌های مناسب و اداره و نظارت بر جریان امور در جهت نیل به اهداف ترویج به صورتی مسئولانه و جدی فراهم خواهد شد.

هدف این رهیافت کمک مردم روستایی برای فراگیری معلومات و مهارت‌های لازم به منظور بهبود کیفیت زندگی و افزایش بهره‌وری فعالیت‌های تولیدی می‌باشند. و لذا هر چه روش و محتوای برنامه‌ها در جهت نیل به این اهداف برای مردم روشن‌تر و قابل پذیرش‌تر باشد، تمایل آنان به تقبل، بخشی از اعتبارات و یا آمادگی برای تسهیم هزینه‌های مربوط بیشتر خواهد شد (شهبازی، ۱۳۷۲).

مبانی تجربی

* ردی و همکارانش، عوامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت‌های خود جوش و داوطلبانه، ۱۹۷۳:
ردی و همکارانش (۱۹۷۳) عوامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت‌های خودجوش و داوطلبانه را به شکل زیر مورد بررسی قرار داده‌اند:

۱- مرحله چرخه حیاتی: در واقع این مرحله، مجموعه‌ای از عوامل ویژه هم چون سن، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و غیره را در بر می‌گیرد. مشارکت در مراحل اولیه زندگی شروع می‌شود و در ایام نوجوانی به حداکثر میزان خود می‌رسد اما در سنین بازنشستگی به کمترین میزان خود یعنی صفر کاهش می‌یابد. به علاوه متأهلین بیشتر از افراد مجرد، بیهوا و مطلقه‌ها در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت می‌جویند

۲- جایگاه اقتصادی - اجتماعی: متغیرهای آن شامل سطح درآمد، آموزش، طبقه اجتماعی خود تنظیم یا معین شده توسط دیگران، پایگاه شغلی، مالکیت خانه و دیگر امور فیزیکی می‌تواند به مشارکت داوطلبانه افراد در فعالیت‌ها تأثیر گذارد. هر چه افراد پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتری داشته باشد، بیشتر در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت می‌کنند و برعکس.

۳- مشخصات فیزیکی - اجتماعی: متغیرهای مربوط به این مشخصات، شامل عامل‌هایی مانند جنس، قومیت، سلامت فیزیکی و توانایی‌های فیزیکی می‌شود. مطالعات انجام شده در آمریکا نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت می‌جویند، اما بررسی‌های اخیر نشان از برابری مشارکت آنها را در پروژه‌ها و فعالیت‌های روستایی دارد.

۴- گروه و وابستگی‌های سازمانی: وابستگی‌های سازمانی تأثیر فراوانی روی فعالیت‌های داوطلبانه بر جای می‌گذارد. افرادی که الگوی شغلی منظم دارند بیشتر از افراد بیکار یا در انتظار کار در انجمن‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه شرکت می‌کنند روابط رسمی در میان روستاییان و قرار گرفتن در معرض وسایل ارتباط جمعی و سایر فعالیت‌ها نیز از جملع عوامل مؤثر بر مشارکت به شمار می‌آیند.

۵- تاثیر انگیزش بر مشارکت افراد: افرادی که یک یا تمامی موارد نگرشی زیر را دارا باشند تمایل دارند در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت کنند:

(۱) داشتن تعهد اجتماعی به مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه،

(۲) داشتن گرایش به خدمت با در نظر گرفتن ارزش وقت،

- ۳) نگرش نسبت به جامعه، سازمان‌ها و...
 - ۴) عدم بیگانگی و انزوای اجتماعی،
 - ۵) نگرش فامیل و آشنایان.
 - ۶) عوامل ساختاری - اجتماعی و محتوایی: در بسیاری از موارد سطوح فردی فعالیت شخصی از ساختار درونی گروه و طبیعت جامعه بزرگتری که فعالیت در آن صورت می‌گیرد، تأثیر می‌پذیرد. این عوامل که به ذات اجتماعی مربوط است، عوامل ساختاری، اجتماعی و محتوایی نامیده می‌شود. برخی از این عوامل عبارتند از:
 - ۱- آزادی تمام جامعه،
 - ۲- سطح نوسازی ملی،
 - ۳- سطح اقتصادی - اجتماعی جامعه،
 - ۴- درجات توسعه یافتگی،
 - ۵- عملکرد و ساختار درونی گروه‌های داوطلبانه (Reddy, 1973).
- * بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اعضای تعاونی روستایی قلعه نو، عزت‌اله سام آرام، ۱۳۷۲:
- هدف پژوهش بررسی تأثیر چند عامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر میزان مشارکت اعضای تعاونی روستایی نام برده می‌باشد. روش تحقیق پیمایشی با استفاده از مصاحبه و پرسشنامه است. جامعه آماری چهار روستا از ۲۴ روستای تحت پوشش بوده و یافته‌ها نشان می‌دهد عواملی که در مشارکت اعضای تعاونی روستایی قلعه نو مؤثر بودند، موارد متعددی است که از میان آنها شش عامل بیشتر مورد توجه قرار گرفته و براساس آنها نیز این پژوهش پایه‌گذاری شده است و آنچه در روستا بیشترین اهمیت را برای کشاورزان دارد و سبب گرایش یا عدم گرایش آنها در میزان مشارکت می‌شود، عبارتند از:
- مساحت زمین زراعی، ۲) نوع کشت غلات، ۳) نرخ سواد مردم، ۴) میزان درآمد، ۵) نوع شغل آنان و ۶) سن افراد (سام آرام، ۱۳۷۷؛ ۱۳۸۱)
- * مشارکت مردم در عمران روستایی، محمد علی قاسمی، ۱۳۸۱:
- وی در مقاله خود مشارکت را به عنوان کلیدی‌ترین عنصر در دستیابی به اهداف عمران روستایی می‌شمارد. به نظر او، مشارکت از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا هر چه توده‌های جامعه مشارکت بیشتری داشته باشند امکان کسب موفقیت فراهم می‌شود و آقشار پایین و محروم جامعه از نتایج مشارکت و فواید حاصل از توسعه و عمران روستایی بهره‌مند می‌گردند.
- به نظر نویسنده، برخی از عوامل نقش تسهیل کننده دارند و برخی دیگر به عنوان موانع مشارکت روستاییان عمل می‌کنند. عوامل مرتبط و مؤثر بر مشارکت افراد در فعالیت‌های عمرانی روستایی در سه دسته: ۱) نگرش‌ها، ۲) خصوصیات شخصیتی و ۳) ظرفیت‌ها و سازه‌های ساختاری - اجتماعی و سازه‌های مفهومی قابل بررسی می‌باشند. بنابراین هر چه

عناصر تسهیل کننده مشارکت تقویت شوند، موانع آن مرتفع گردند و به عوامل و توسعه روستاها پدیدار خواهد شد (قاسمی، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰).

● پیرامون شناخت تنگناهای موجود ویژگی‌های تشکیلات مناسب جهت جلب مشارکتی مردم، لاهیجانیان، ۱۳۶۵:

- وی پس از بررسی‌های خود در باب موضوع به این نتیجه می‌رسد که تنگناها و مشکلات موجود در جلب مشارکت مردم به شرح زیر است:
- ۱- نبود یک استراتژی توسعه ملی و یا یک طرح براساس یک قانون یا ایجاد یک باور عمومی،
 - ۲- نبود سواد، نداشتن آموزش‌های فنی، نبود انگیزه‌های عمومی و نبود یک سیستم و نظام آموزشی صحیح،
 - ۳- نبود تکنولوژی مناسب در زمینه بهره برداری از زمین‌های کشاورزان،
 - ۴- عدم توانایی‌های مالی و تجهیز نبودن منابع مالی مردم برای سرمایه گذاری در برنامه‌ریزی‌های تحولات اجتماعی و اقتصادی جامعه،
 - ۵- نداشتن سازمان مناسب برای سازمان دادن مردم در امور مربوطه به خود،
 - ۶- نبود یک سیستم جهت ایجاد تمایل عمومی و انجام تبلیغات و آموزش برای انتقال و اهداف به مردم،
 - ۷- نبود یک الزام قانونی برای دستگاه‌های اجرایی برای به کارگیری روش‌های جلب مشارکت و سازماندهی تشکیلات و به خصوص گسترش بی‌رویه تشکیلات اداری در واحدهای صنعتی،
 - ۸- وجود روحیه بوروکراسی در تشکیلات اجرایی و وجود سیستم‌های کنترل از دور و نبود میان مردم،
 - ۹- نبود جایگاهی برای حضور مردم به دلیل روش‌های اجرای برنامه‌ریزی غیرمنطقی،
 - ۱۰- تبعیض در ارائه خدمات به شهر و روستا،
 - ۱۱- عدم رعایت توالی در تولید و ارائه خدمات،
 - ۱۲- عدم تجهیز مالی مردم (لاهیجانیان، ۱۳۶۵: ۱۰۱-۹۵).

روش‌شناسی پژوهش:

- (۱) متغیرها و تعاریف عملیاتی آنها: اسامی متغیرها، نوع و معرفهای اندازه‌گیری آنها به صورت جدول زیر خلاصه شده است:

جدول ۱- متغیرها و معرف‌های اندازه‌گیری

متغیرها	نوع متغیرها	معرف‌های اندازه‌گیری
سین	متغیرهای مستقل	سال تولد
سطح تحصیلات	متغیر مستقل	تعداد کلاس‌ها
وضعیت تاهل	متغیر مستقل	مجرد/ متأهل
مقدار زمین	متغیر مستقل	محاسبه بر حسب هکتار
نوع کشت	متغیر مستقل	نوع محصول مانند گندم، عدس، پیاز و جو و ...
نوع شغل	متغیر مستقل	کشاورز، دامپرور، کارمند، مغازه‌دار و شغل آزاد
عوامل آموزشی	متغیر مستقل	واضح بودن برنامه‌ها و اهداف پروژه‌ها- آگاهی مسئولین از درخواست‌های روستاییان کلاس‌های آموزشی در مورد اهمیت پروژه‌ها- فیلم و نمایش، تماس‌های فردی و جمعی با روستاییان- دستیابی ارباب رجوع روستایی به تکنولوژی‌های نوین- تناسب سطح معلومات و...
عوامل اجتماعی و فرهنگی	متغیر مستقل	تناسب برنامه‌ها با نیازهای روستاییان- حمایت‌های دولتی- اظهار نظر و پیشنهاد در مورد طرح اجرای (مشورت)- وجود مشکل و رفع نیاز- قرار گرفتن در معرض ارتباط جمعی- نوع دوستی و ایثارگیری- آزادی در محیط روستایی از قید و بندهای آداب و رسوم محلی- دسترسی به منابع درآمد جدید- نامناسب بودن فن‌آوری پروژه‌ها- بالا بردن کیفیت زندگی
عوامل انگیزشی	متغیر مستقل	قبولی وضع جدید- نگرش مثبت به پیشرفت جامعه محلی- خوشبین بودن نسبت به آینده پروژه‌ها- اعتقادات و ارزش‌های متداول در جامعه روستایی- داشتن تعهد اجتماعی بالا- اهمیت قابل شدن به سخنان و نگرش‌های روستاییان.
عوامل گروهی	متغیر مستقل	تشکل و اقوام گروهی- طایفه‌های موجود- انسجام و همبستگی بین طایفه‌ها- اختلافات گروهی و طایفه‌ای- میزان همکاری افراد در پروژه‌ها و علاقه به انجام کارهای گروهی- برابری و همکاری با یکدیگر- حمایت متقابل- یگانگی در هدف‌ها
مشارکت اقتصادی	متغیر تابع (وابسته)	سرمایه‌گذاری عمران مردم در تاسیس مدارس، مرکز بهداشت، مسجد شبکه برق، تلفن، راه و کانال- شرکت دادن در تصمیم‌گیری، اجراء و نگهداری پروژه‌ها- میزان مسئولیت‌پذیری تمرین مشارکت- ارزیابی از چگونگی اجراء- سوددهی فعالیت‌های عمرانی- ایجاد فعالیت اشغال‌زانه- نحوه مشارکت مردم در پروژه‌ها انفعالی، مادی، مشاوره، متقابل، خودجوش

۲) نوع و روش تحقیق

برای انجام پژوهش حاضر از روش‌های تحقیق اسنادی (برای گردآوری اطلاعات پایه‌های نظری و کلیات تحقیق)، پیمایشی (بررسی واقعیت‌ها و نظرات) و تحقیق همبستگی استفاده شده است.

۳) جامعه مورد بررسی

- جامعه آماری: جامعه آماری پژوهش حاضر رؤسای خانوار روستایی دیزج ملک را شامل می‌شود که تعداد کل آنها حدوداً ۲۱۰ نفر است.
- واحد آماری: رؤسای خانوار (فرد) واحد آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهد.
- حجم نمونه نیز براساس فرمول زیر محاسبه و تعیین شده است.

۴) شیوه نمونه‌گیری: در این پژوهش (از روش‌های نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و تصادفی ساده استفاده شده است. روش کار به این صورت است که پس از برآورد میزان نمونه

مطالعه روستا را بر حسب طایفه‌های موجود تقسیم‌بندی کردیم و به تناسب تعداد افراد موجود در طایفه‌ها نمونه را انتخاب نمودیم و در گام آخر به شیوه تصادفی ساده از رؤسای خانوار انتخاب شده اطلاعات را جمع‌آوری نمودیم. جدول زیر شیوه نمونه‌گیری را بر حسب طایفه در روستا نشان می‌دهد.

جدول ۲- شیوه نمونه‌گیری به تفکیک طایفه‌های موجود در روستا

نام طایفه	تعداد	نمونه‌آماری	درصد نمونه
آقالو	۴۲	۱۰	۲۰/۴
سونالو	۳۷	۸	۱۶/۳
عزیزلو	۲۴	۶	۱۴/۳
علی‌لو	۲۲	۵	۱۰/۲
سایر	۷۵	۲۱	۴۰/۸
جمع	۲۲۰	۵۰	۱۰۰/۰

۶-۴- وسیله اندازه‌گیری و اعتبار^۱ قابلیت اعتماد^۲ آن ابزار گردآوری اطلاعات لازم در قسمت اسنادی تحقیق می‌تواند کتب، مجلات، پایان نامه‌ها و سایر اسناد مرتبط با موضوع اعم از فارسی و انگلیسی باشد. از سوی دیگر جمع‌آوری داده‌ها در بخش پیمایشی و همبستگی تحقیق از طریق ابزار پرسشنامه آماری گرفته است. اعتباری که در این پژوهش مد نظر قرار گرفت اعتبار صوری بود. به عبارت دیگر پس از طراحی پرسشنامه جهت برآورد اعتبار صوری آن به متخصصین امر در مسایل روستایی تحویل داده شد و نظرات آنها در تنظیم نهایی ابزار اعمال شد. قابلیت اعتماد سوال‌های پرسش‌نامه به تفکیک هر یک از سازه‌ها و متغیرها با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ برای گویه‌های رتبه‌ای به دست آمده است. جدول زیر نتایج قابلیت اعتماد وسیله اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج آزمون روابی متغیرهای تحقیق

ردیف	نام متغیرها	تعداد گویه‌ها	ضریب‌روایی
۱	عوامل آموزشی	۸	۰/۷۴
۲	عوامل انگیزشی	۷	۰/۷۵
۳	عوامل اجتماعی - فرهنگی	۱۳	۰/۷۳
۴	عوامل نگرشی	۶	۰/۷۲
۵	عوامل گروهی	۷	۰/۷۲
۶	مشارکت اقتصادی	۹	۰/۷۳
۷	جمع کل	-	۰/۷۳

میزان قابلیت اعتماد کل وسیله اندازه‌گیری برای سنجش متغیرها $a=0/73$ برآورده شده است که این میزان نشان دهنده قابلیت اعتماد قابل قبول گویه‌ها را نشان می‌دهد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش:

(۱) یافته‌های توصیفی

نتایج توصیفی شناسایی که در این پژوهش مد نظر بوده به صورت جدول زیر خلاصه شده است.

جدول ۴- نتایج توصیفی تک متغیری به متغیرهای شناسایی

ردیف	متغیرها	آمارها	
		میانگین	درصد معتبر
۱	سن	۵۳/۲ سال	-
۲	سطح تحصیلات	۶ کلاس	-
۳	وضعیت تاهل	-	۹۲ درصد متأهل
۴	نوع شغل	-	۷۲ درصد کشاورزی
۵	نوع محصول کشت	-	۵۶ درصد گندم و عدس

(۲) یافته‌های تحلیل

اولین فرضیه تحقیق این بود که «بین سن و مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی همبستگی معنی‌داری وجود دارد».

نتایج به دست آمده از آزمون t پیرسون نشانگر آن است که سن، میزان مشارکت روستاییان را در طرح‌های توسعه روستایی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، هر چه سن رؤسای خانوارها افزایش یابد، میزان مشارکت آنها در طرح‌ها کاهش می‌یابد. پس سن یکی از عواملی است که می‌تواند در میزان مشارکت رؤسای خانوارها مؤثر باشد.

$$(N=50 \quad r=-/۷۴ \quad \text{Sing} = ۰/۰۰۰)$$

برای آزمون فرضیه «بین سطح تحصیلات رؤسای خانوارها و مشارکت آنها در طرح‌ها همبستگی وجود دارد» از ضریب همبستگی R پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون حاکی از آن است که بین متغیرهای فوق همبستگی مسقیم و بالایی وجود دارد، به این مفهوم که هر چقدر سطح تحصیلات رؤسای خانوارها افزایش یابد، بیشتر در طرح‌های توسعه روستایی مشارکت خواهد داشت. پس سطح تحصیلات نیز از جمله عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرح‌ها می‌باشد.

$$(N=50 \quad r= /۷۳ \quad \text{Sing} = ۰/۰۰۰)$$



سومین فرضیه تحقیق عبارت بود از: مشارکت روستاییان بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری محاسبه شده کمتر از آلفای تحقیق می‌باشد.

بنابراین می‌توان گفت که میانگین مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی بر حسب وضعیت تأهل آنها متفاوت است. به عبارت دیگر، متوسط مشارکت روستاییان دارای همسر بیشتر از گروه همسر مرده‌ها و مجردها می‌باشد.

$$(N = 50 \quad f = 34/46 \quad \text{sing} = 0/000)$$

چهارمین فرضیه تحقیق این بود که مشارکت روستاییان بر حسب نوع شغل رؤسای خانوارها با همدیگر اختلاف معنی‌داری دارند. خروجی آزمون F نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری محاسبه شده $\text{Sing} = /۰۰۰$ از آلفای مورد قبول ($a = /۰۱$) کمتر است، به عبارت دیگر، میزان مشارکت بسته به این که نوع شغل رؤسای خانوارها کشاورزی، کارمند، کارگر ساده و کار فنی باشد متفاوت است. تحلیل توصیفی دو متغیره میزان مشارکت بر حسب نوع شغل نشان داد که میانگین مشارکت روستاییانی که نوع شغل آنان کشاورزی بوده است، افزون‌تر از سایر گروه‌ها در طرح‌های توسعه روستایی مشارکت دارند. کمترین متوسط مشارکت متعلق به قشر کارمندان روستا می‌باشد.

$$(N = 50 \quad f = ۲۳/۴۷ \quad \text{sing} = ۰/۰۰۰)$$

پنجمین فرضیه آزمون شده تحقیق این است که «میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی بر حسب نوع محصول زیر کشت متفاوت است». بر اساس حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه (F)، می‌توان گفت که میانگین مشارکت روستاییان در طرح‌های

توسعه روستایی به تفکیک نوع محصول زیر کشت رؤسای خانوارها با همدیگر اختلاف معنی داری دارد. به این مفهوم که روستاییانی که به کشت محصول گندم و عدس مشغول هستند بیشتر از بقیه افراد در طرح ها مشارکت داشته اند.

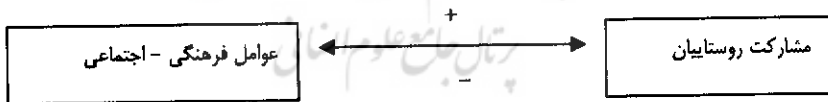
$$(n = 50 \quad f = 5/2 \quad \text{Sing} = 0/009)$$

ششمین فرضیه ۱ تحقیق عبارت بود از «بین عوامل انگیزشی و مشارکت روستاییان در طرحهای توسعه روستایی همبستگی معنی داری وجود دارد». نتایج به دست آمده از آزمون r پیرسون نشان دهنده این است که بین عوامل انگیزشی و مشارکت روستاییان همبستگی معنی داری وجود ندارد.

$$(N = 50 \quad r = 0/085 \quad \text{sing} = 0/56)$$

هفتمین فرضیه پژوهش این بود که «بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و مشارکت روستاییان همبستگی معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که فرضیه فوق تأیید می شود. به این معنی که هر چه عوامل اجتماعی - فرهنگی از قبیل آزادی در محیط روستایی از قید و بندهای سنت های محلی، انسجام محلی، نوع دوستی و ایثارگری، تناسب برنامه ها با نیازهای روستاییان و غیره، در میان روستاییان بیشتر نمود پیدا کرده باشد، بالطبع بر میزان مشارکت تأثیر داشته و آن را افزایش می دهد، در صورت عدم عوامل فوق، احتمال این که میزان مشارکت کاهش یابد بیشتر است.

$$(N = 50 \quad r = 0/85 \quad \text{Sing} = 0/000)$$



وجود همبستگی معنی دار بین متغیرهای عوامل نگرشی و مشارکت روستاییان در طرحهای توسعه روستایی فرضیه دیگری بود که در این تحقیق بررسی شده است. نتایج حاصله از آزمون R پیرسون نشان می دهد که سطح معنی داری محاسبه شده کمتر از آلفای تحقیق می باد. بنابراین فرضیه فوق به صورت موقت تأیید می شود. بدین معنی که بین عوامل نگرشی و مشارکت روستاییان همبستگی معنی داری وجود دارد. هر چه عوامل نگرشی مانند قبول وضع جدید، نگرش مثبت به پیشرفت روستا، خوشبین بودن نسبت به آینده پروژه ها و غیره در میان روستاییان بیشتر مشاهده شود، میزان مشارکت را تحت تأثیر قرار داده و آن را افزون تر می سازد.

$$(N=50 \quad r=0.69 \quad \text{Sing}=0.000)$$



نهمین فرضیه پژوهش که مورد تأیید واقع شد عبارت است از بین عوامل گروهی و مشارکت روستاییان در طرح های توسعه روستایی همبستگی معنی داری وجود دارد، یعنی عوامل گروهی از قبیل همبستگی در میان روستاییان، علاقه به کارهای گروهی، حمایت متقابل، برابری و همکاری با یکدیگر و ... اگر دز میان روستاییان مشاهده شود، میزان مشارکت روستاییان افزایش می یابد و بر عکس.

$$(N=50 \quad r=0.47 \quad \text{Sing}=0.001)$$



آخرین فرضیه پژوهش این است که بین عوامل آموزشی و مشارکت روستاییان در طرحهای توسعه روستایی همبستگی وجود دارد. پس از بررسی نتایج آزمون R پیرسون نشان می دهد که فرضیه فوق تأیید نمی شود زیرا سطح معنی داری محاسبه شده بیشتر از الفای تحقیق بوده است به این ترتیب بین عوامل آموزشی و مشارکت روستاییان در طرحهای توسعه روستایی همبستگی معنی داری وجود ندارد.

$$(N=50 \quad R=0.20 \quad \text{SING}=0.15)$$

نتیجه گیری

مشارکت به عنوان اساسی ترین عنصر در دستیابی به اهداف توسعه روستایی از اهمیت خاصی برخوردار است، هرچه توده مردم جامعه مشارکت بیشتری در امور خود داشته باشند، امکان کسب موفقیت فراهم می شود. به علاوه آقشار پایین و محروم جامعه از نتایج مشارکت و فواید حاصل از توسعه روستایی بهره مند می گردند.

مشارکت روستاییان در طرحهای توسعه روستایی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می گیرد. در پژوهش حاضر برخی از این عوامل مورد مطالعه قرار گرفت و عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرح های توسعه روستایی به شرح زیر شناسایی گردید:

۱- سطح تحصیلات: برحسب این که تحصیلات روستاییان در چه سطحی قرار گیرد، در مشارکت آنها مؤثر واقع می شود. اگر سطح تحصیلات رؤسای خانوار روستایی بالاتر باشد. میزان مشارکت وی نیز افزایش می یابد. عدم داشتن سواد یکی از موانع مشارکت در توسعه روستایی قلمداد می شود.

۲- سن رؤسای خانوار: سن نیز یکی از عوامل تعیین کننده میزان مشارکت روستاییان در طرحهای توسعه روستایی محسوب می شود. افزایش سن و پیری عاملی است که موجب کاهش میزان مشارکت می شود.

۳- وضع تأهل رؤسای خانوار: میزان مشارکت روستاییان به تفکیک وضع تأهل متفاوت بوده و متأهلین بیشتر از سایر گروهها در طرحهای توسعه روستایی مشارکت داشته اند.

۴- نوع شغل: نتایج تحلیل استنباطی نشان داد افرادی که دارای شغل کشاورزی هستند، میانگین مشارکت آنها بیشتر از سایر گروهها می باشد. به عبارت دیگر میزان مشارکت کشاورزان بیشتر از کارگران ساده و فنی و کارمندان گزارش شده است. زیرا طرحهای توسعه روستایی در روستاها اغلب مرتبط با کشاورزی است.

۵- نوع محصول زیر کشت: برحسب این عوامل نیز میزان مشارکت متفاوت جلوه گر می شود، یعنی روستاییانی که به کشت محصول گندم و عدس مشغول هستند بیشتر از سایر افرادی که محصولات دیگر می کارند، در طرح ها مشارکت داشته اند.

۶- عوامل اجتماعی - فرهنگی: شاید این عامل یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده میزان مشارکت روستاییان در طرح های توسعه روستایی باشد زیرا عدم وجود موانع اجتماعی و فرهنگی در توسعه روستایی باعث تسهیل مشارکت در توسعه روستایی می شود. پس هر چقدر عوامل اجتماعی - فرهنگی با طرحهای توسعه روستایی بیشتر تناسب داشته باشد، میزان مشارکت افزایش می یابد.

۷- عوامل نگرشی: نحوه نگرش روستاییان به مسایل روستایی و طرحای روستایی می تواند عامل عمده ای در مشارکت قلمداد شود. به عبارت دیگر اگر نگرش آنها به تغییر و

قبول وضع جدید مثبت باد مشارکت افزونتر می شود ولی اگر نگرش منفی باشد موجب مقاومت در برابر تغییر شده و مشارکت را به حداقل می رساند.

۸- عوامل گروهی: آخرین عاملی که در این تحقیق به عنوان عامل مؤثر بر مشارکت روستاییان شناسایی شد، عامل گروهی است. اگر روابط بین روستاییان خالی از صفات منفی باشد و با همدیگر متحد بوده و انسجام خود را حفظ نمایند، در این شرایط به طرحهای توسعه روستایی عکس العمل مثبت نشان می دهند و به صورت فعال در آن مشارکت می ورزند.

پیشنهادهای تحقیق

با وجود این که برخی از افراد در مقایسه با دیگران در طرح های توسعه روستایی بیشتر مشارکت می کنند ولی در شرایط گوناگون این مشارکت و نحوه آن متفاوت است، بنابراین مسئولینی که می خواهند روستاییان در این گونه طرح های به صورت فعال مشارکت کنند، بهتر است موارد زیر را مد نظر داشته باشند:

- ۱- هماهنگی و مناسبت فناوری طرح های توسعه روستایی با نیازهای روستاییان،
- ۲- مشخص نمودن برنامه ها و اهداف طرح ها قبل از اجرای آن برای روستاییان،
- ۳- آگاهی از توقعات و درخواست های روستاییان در باب طرح های اجرایی،
- ۴- مشورت مسئولین دولتی با مراجع تصمیم گیری و ذی نفوذ در روستا،
- ۵- ایجاد وحدت بین روستاییان از طریق شورای اسلامی ده،
- ۶- جلب اعتماد روستاییان از طریق عدم برخوردهای ضد و نقیض و عمل به تعهد خود،
- ۷- راه دسترسی به روستاییان از طریق شورای ده و تشکل های تعاونی و غیر دولتی هموارتر می شود.

پیشنهاد می شود که شوراهای اسلامی روستاها و تشکل های تعاونی و غیر دولتی از طرف دولت تقویت شده تا این نهادها توانایی تأثیر گذاری شان در زمین های مختلف از قبیل ایجاد انسجام گروهی، آگاهی دادن به مردم و بهره برداری از فرصت های جدید، تغییر نگرش های سنتی به نفع دگرگونی عمده در روستا و ... افزایش یابد؛ این نهادها می توانند با انجام عملکرد خود از کار کشاورزی گرفته تا کار فرهنگی، مشارکت روستاییان در طرحهای توسعه روستایی را افزایش دهند.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

- ۱) ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰): "جامعه‌شناسی توسعه"، تهران: انتشارات مؤسسه کلمه.
- ۲) ازکیا، مصطفی (۱۳۶۴): "مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی"، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۳) الغنی، ام، آر. (۱۳۷۲): "بحران فقر روستایی: آیا مشارکت می‌تواند آن را از میان بردارد؟"، ناصر اوکتایی، مجله روستا و توسعه، شمار پنجم (شهریور).
- ۴) پاپلی یزدی، محمد حسین و محمد امیر ابراهیمی (۱۳۸۱): "نظریه‌های توسعه روستایی"، تهران: انتشارات سمت.
- ۵) توتونچی، غلام عباس (۱۳۷۸): "بررسی زمینه‌های علمی مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری‌های توسعه منابع آب استان آذربایجان شرقی"، تبریز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی.
- ۶) حسینی نیا، غلامحسین (۱۳۷۸): "عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و مشارکت"، ماهنامه جهاد، سال نوزدهم، شماره ۲۵-۲۴ (دی و بهمن ماه).
- ۷) دپفر، کورت (۱۳۶۵): "راهبردهای توسعه روستایی جایگزین، برنامه‌ریزی در سطح محلی و توسعه روستایی"، عباس مخبر، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۸) سام آرام، عزت الله (۱۳۷۷): "عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اعضای تعاونی روستایی قلعه‌نو در سال ۱۳۷۱"، نمایه پژوهش، سال دوم، شماره ۵۶ (بهار و تابستان).
- ۹) شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۵): "توسعه و ترویج روستایی"، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰) علفیان، مسعود (۱۳۷۹): "مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری"، مجموعه مقالات مدیریت توسعه پایدار، تبریز: دانشگاه و شهرداری تبریز.
- ۱۱) قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۱): "عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی"، فصلنامه اندیشه و برنامه‌ریزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سال دوم، شماره ۴ (تابستان).
- ۱۲) کوهی، کمال (۱۳۸۳): "سنجش میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی و بررسی عوامل مؤثر بر آن"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

- گروه علوم اجتماعی.
- ۱۳) گای، درام (۱۳۷۱)؛ "توسعه مشارکتی، چشم اندازی از تجربه های توده های روستایی"، گاهنامه روستا و توسعه، شماره ۴.
- ۱۴) لاهیجانیان، ؟ (۱۳۶۵)؛ "شناخت تنگناهای موجود، ویژگی های تشکیلات مناسب جهت جلب مشارکت"، مجموعه مقالات کنفرانس مشارکت و توسعه، تهران؛ دفتر مرکزی جهاد سازندگی.
- ۱۵) ملک محمدی، ایرج (۱۳۷۴)؛ "شاخص های مشارکت مردم در مدیریت منابع طبیعی"، ماهنامه جهاد، شماره ۳-۱۸۲.

ب- منابع خارجی:

- 16) Curin, B., (1996); "**Rural Participation, Rural Development and Models.**" google.com.
- 17) Lowe, P., et. al., (1999); "**Participation in Rural Development**", Eurean Foundation, Centre For Rural Economy.
- 18) Reddy, R., et al., (1973); "Why Do People Participate in Voluntary Actions", **Journal of Extension**, Vol. X. Winter.
- 19) Simposon B. and Cala. C., (2001); "**Measuring Results in Community Development NGO Relations in South and Southeast Asia, Asian and Pacific Development Center**", Kualalumpur.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی